



ردّ اصالت چند بیت منسوب به فردوسی در فضای/ شبکه‌های مجازی

پدیدآورنده (ها) : ایدنلو، سجاد

ادبیات و زبانها :: نشریه بخارا :: مرداد و شهریور 1397 - شماره 125

از 224 تا 234

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1459607>

دانلود شده توسط : سید محمد مهدی اقامیری

تاریخ دانلود : 15/10/1400

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

ردّ اصالتِ چند پیت منسوب به فردوسی در فضای / شبکه‌های مجازی

سجاد آیدنلو^(۱)

۲۲۴

بخارا
سال بیست و دوم
شماره ۱۲۵
مرداد - شهریور
۱۳۹۷

چندی پیش در کتاب‌فروشی بهار شهر اورمیّه (زادگاه و محلّ زندگی نگارنده این سطور) مدیر این کتاب‌فروشی و شماری از دوستانِ اهل کتاب و ادب، ابیاتی را در بحر متقارب به بنده نشان دادند که در فضای به اصطلاح مجازی (بعضی پایگاهها و وبلاگهای اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی) به نام فردوسی و بخش محذوف شاهنامه انتشار یافته، دست‌به‌دست شده و مورد بحث و اظهار نظر قرار گرفته است. پرسش دوستان فرهیخته این بود که آیا این بیتها به‌راستی سروده فردوسی و از متن شاهنامه است که از برخی چاپهای حماسه ملی ایران حذف (به تعبیر ایشان: سانسور) شده است یا خیر؟

چون این موضوع به صورت نسبتاً گسترده‌ای توجه کاربران فضای مجازی را به خود جلب کرده و به دلیل جایگاه ویژه فردوسی و شاهنامه، نظریات درست و نادرست فراوانی درباره آن مطرح شده است تصمیم گرفتم که به جای پاسخ شفاهی، محفلی و محدود به این سوال / موضوع، آن را در قالب مکتوب عرضه کنم تا عموم خوانندگان و علاقه‌مندان شاهنامه از آن آگاه شوند و واقعیت مسأله به شکل مستند، روشن شود. نخست ابیات مورد نظر را می‌آوریم و یک بار دیگر با هم می‌خوانیم:

(۱) دانشیار دانشگاه پیام نور اورمیّه

چوبخت عرب بر عجم چیره گشت جهان را دگرگونه شد رسم و راه ز می نشئه و نغمه از چنگ رفت ادب خوار گشت و هنر شد وبال جهان پر شد از خوی اهریمنی کنون بی غمان را چه حاجت به می که در بزم این هرزه گردانِ خام به جایی که خشکیده باشد گیاه چو با تخت منبر برابر شود ز شیر شتر خوردن و سوسمار که تاج کیانی آرزو عرب هر که باشد به من دشمن است دریغ است ایران که ویران شود همه روز ایرانیان تیره گشت توگویی نتابد دگر مهر و ماه ز گل عطر و معنی ز فرهنگ رفت بیستند اندیشه را پرّ و بال زبان مهر ورزیده دل دشمنی کران را چه سودی ز آوای نی گناه است در گردش آریم جام هدر دادن آب باشد گناه همه نام بوبکر و عمر شود عرب را به جایی رسیده است کار تفو بر تو ای چرخ گردان تفو کژاندیش و بدخوی و اهریمن است کنام پلنگان و شیران شود

در علم / فنّ تصحیح متون برای اینکه بدانیم بیت یا ابیاتی از یک شاعر (در اینجا: فردوسی) هست یا نه، به طور کلی باید به سه معیار اصلی و مهم توجه کرد: ۱. وضعیّت (بود و نبود) بیت / ابیات در نسخه‌های معتبر و کهن هر متن (اینجا: شاهنامه) ۲. میزانِ مطابقت و یژگی‌های واژگانی، نحوی و بلاغی بیت یا ابیات با سبک عمومی و اختصاصی آن متن / شاعر ۳. چگونگی انطباق یا ناهمخوانی موضوع بیت / بیتها با اندیشه‌ها و عقاید شاعر و خصوصیات محتوایی - موضوعی متن. از این روی بیتهای مورد بحث را ابتدا بر اساس دو ضابطه نخست بررسی می‌کنیم و سپس به نکته سوم هم اشاره خواهیم کرد.

بیت اوّل (چو بخت عرب...) در آغاز بخش پادشاهی یزدگرد سوم و گزارش لشکرکشی اعراب به ایران، در تعدادی از نسخ شاهنامه مانند توپقاپوسرای (۷۳۱ ه.ق)، قاهره (۷۹۶)، لیدن (۸۴۰)، واتیکان (۸۴۸)، انستیتوی خاورشناسی (۸۴۹)، دست‌نویس دوم انستیتوی خاورشناسی (قرن نهم)، برلین (۸۹۴)، توپقاپوسرای (۹۰۳)، سعدلو (احتمالاً از قرن ۸)، حاشیه ظفرنامه و برخی دست‌نویسهای مربوط به قرن دهم و پس از آن، چند بیت بر سخن فردوسی الحاق شده که یکی از آنها این است:

که بخت (تخم) عرب بر عجم چیره (عجم از عرب) خیره (تیره) شد
همی (همان / همه) بخت (فرّ) ساسانیان تیره (خیره) شد^(۱)

(۱) ر.ک: فردوسی ۱۳۷۹، ابوالقاسم؛ شاهنامه همراه با خمسه نظامی، با مقدمه دکتر فتح‌الله مجتبابی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱۲؛ فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه،



• دکتر سجاد آیدنلو (عکس از: امید علمداری)

این بیت در بعضی چاپهای سنگی و حروفی شاهنامه به این صورت آمده است:
چو بخت عرب بر عجم چیره شد همی بخت ساسانیان تیره شد^(۱)

تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، با همکاری دکتر محمود امیدسالار در دفتر ششم و ابوالفضل خطیبی در دفتر هفتم، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶، ۸ / ۴۱۱ / زیرنویس ۱۵؛ فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (ویرایش نهایی چاپ مسکو)، زیر نظر مهدی قریب، تهران، سروش با همکاری دانشگاه خاورشناسی مسکو، ۱۳۹۱، ۴۹۱/۹ / یادداشت ۲۳؛ مستوفی، حمدالله (۱۳۷۷). ظفرنامه به انضمام شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا Or. ۲۸۳۳)، تهران و وین، مرکز نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۴۲. در حاشیه نسخه سن ژوزف (ظاهراً اواخر قرن ۷ و اوایل قرن ۸) این بیت به همراه ابیات دیگر به خطی غیر از خط متن دست‌نویس نوشته و افزوده شده است که البته بیت مورد بحث در عکس نسخه نیفتاده است. ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه (نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری، کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، شماره ۴۳ NC)، به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، تهران، طلایه، ۱۳۸۹، ص ۹۷۵.

(۱) برای نمونه، ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، به خط اولیا سمیع شیرازی، تهران، چاپ سنگی، ۱۲۷۲، ج ۴، ص ۱۲۹؛ فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه کلاله خاور، به کوشش محمد رضانی، تهران، پدیده، ۱۳۷۵، ۵ / ۲۹۷ / ۷۲۰۸؛ فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، تهران، قطره، ۱۳۸۶، ۵ / ۲۸۴۸ / ۲۹.

چنان که ملاحظه می‌شود بیت نخستِ قطعهٔ مورد گفتگو بر پایهٔ این بیت الحاقی و با تغییر «که» به «چو» در مصراع اوّل، «ساسانیان» به «ایرانیان» در مصراع دوم و «شد» به «گشت» در ردیف بیت ساخته شده است و سرودهٔ فردوسی نیست.

بیت دوم (جهان را دگرگونه شد...). سبک این بیت شبیه ابیات فردوسی است ولی تا جایی که نگارنده جستجو کرده در هیچ یک از نسخه‌ها و چاپهای مهم و معروف شاهنامه نیامده است و یا احتمالاً از منظومه‌های پیرو شاهنامه است و یا شاید سرودهٔ یکی از مقلدان فردوسی چه بسا حتی در روزگار معاصر.

بیت سوم (ز می نشئه و...). این بیت در هیچ کدام از دست‌نویسها و چاپهای شاهنامه دیده نمی‌شود و در لغات آن دو کلمهٔ «نشئه» و «عطر» از واژه‌های عربی فردوسی نیست.^(۱) سبک و ساخت بیت هم نه تنها به شیوهٔ فردوسی نمی‌ماند بلکه به احتمال فراوان از ساخته‌های همین سالهای اخیر است به‌ویژه مصراع دوم که بسیار امروزی می‌نماید.

بیت چهارم (ادب خوارگشت و...). بیت در نسخه‌ها و چاپهای شاهنامه وجود ندارد و واژهٔ «ادب» هم در آن در سراسر شاهنامه حتی یک بار نیز به کار نرفته است. شاید این بیت هم مانند بیت سوم از سروده‌های معاصر باشد.

بیت پنجم (جهان پر شد از...). این بیت هم در نسخ و چاپهای شاهنامه یافته نمی‌شود. قافیه‌های آن (اهریمنی / دشمنی) از قوافی فردوسی است ولی ترکیب «مهر ورزیدن» را فردوسی استفاده نکرده است.

بیت ششم (کنون بی‌غمان را...). باز هم در دست‌نویسها و چاپهای شاهنامه نیست و از لغات آن کلمهٔ «کران» به این صورت جمع در ابیات اصلی فردوسی به کار نرفته است.

بیت هفتم (که در بزم این...). در هیچ یک از نسخه‌ها و چاپهای شاهنامه نیامده است. «هرزه» و «هرزه‌گرد» هم از واژه‌های فردوسی نیست.

بیت هشتم (به جایی که...). این بیت نیز در دست‌نویسها و چاپهای شاهنامه به نظر نمی‌رسد و «هدر» هم در آن از لغات عربی حماسهٔ ملی ایران نیست. غیر از این، کلمهٔ «خشکیده» که از مصدر به اصطلاح جعلی «خشکیدن» ساخته شده تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است ظاهراً در متون دورهٔ فردوسی و حتی یکی دو قرن بعد از او شاهد استعمال ندارد و این خود گواه دیگری است که بیت چند سده پس از فردوسی سروده شده است.

(۱) برای آشنایی با لغات و ترکیبات عربی فردوسی، ر.ک: آیدنلو، سجّاد؛ فرهنگ‌وارهٔ لغات و ترکیبات عربی شاهنامه، تهران، سخن، ۱۳۹۶.

بیت نهم (چو با تخت منبر...). این بیت سروده خود فردوسی و از نامه رستم فرخزاد به برادرش در بخش پادشاهی یزدگرد سوم است^(۱) اما قافیه آن در بیشتر دست‌نویسها «کنند» است و «شود» فقط در یک نسخه آمده^(۲) پس صورت اصلی بیت در شاهنامه چنین است:

چو با تخت منبر برابر کنند همه نام بوبکر و عمر کنند

بیتهای دهم و یازدهم (ز شیر شتر خوردن و...). این دو بیت از مشهورترین و پرتکرارترین ابیات منسوب به فردوسی است^(۳) که به رغم شهرت کاذب آنها، در دوازده نسخه از پانزده دست‌نویس مبنای تصحیح هشت جلدی دکتر خالقی مطلق و همکارانشان و نیز دست‌نویسهای سن ژوزف، سعدلو و حاشیه ظفرنامه نیست و به تبع در چاپهای معتبر و نیمه معتبر شاهنامه هم نیامده و به حاشیه برده شده است. در سه نسخه لنینگراد (۷۳۳)، کراچی (۷۵۲) و انستیتوی خاورشناسی (۸۴۴) که این دو بیت را افزوده‌اند ضبط مصراع نخست بیت دوم به صورت «که ملک عجمشان (عجمتان) کند آرزو» آمده است.^(۴)

بیت دوازدهم (عرب هر که باشد...). این بیت ضمن اینکه در نسخ و چاپهای شاهنامه نیست، هم بیان سستی دارد (به‌ویژه مصراع اول آن) و هم مفهومی متعصبانه و محدودنگر است زیرا گوینده آن اساس دشمنی خود را بر عرب‌نژاد بودن افراد قرار داده است و روشن است که هیچ انسان دانا و خردمندی به دلیل تبار و قومیت انسانها به کینه‌ورزی و عداوت با آنها نمی‌پردازد مگر اینکه در دام تعصب و جهالت گرفتار شده باشد. در جهان‌بینی حکیمانه فردوسی، نژاد (ایرانی یا غیرایرانی) هرگز سبب فروتر بودن/انگاشتن آدمیان نیست و او اتفاقاً هم پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع) و اهل بیت (ع) را که طبعاً عرب‌نژاد بودند به‌شایستگی و احترام تمام ستوده و هم یکی

(۱) ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، پیرایش دکتر جلال خالقی مطلق، تهران، سخن، ۱۳۹۳، ۲/۸۹/۱۰۸۴.

(۲) ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق و همکاران، همان، ۸/۴۱۷/زیرنویس ۱۸.

(۳) برای آگاهی بیشتر درباره الحاقی بودن آنها، ر.ک: امیدسالار، محمود؛ «درباره ز شیر شتر خوردن و سوسمار»، سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۹، صص ۱۷۷-۱۷۹؛ ترکی، محمدرضا؛ پرسه در عرصه کلمات، تهران، سخن، ۱۳۸۷، صص ۱۷-۲۰؛ خالقی مطلق، جلال؛ یادداشتهای شاهنامه، با همکاری دکتر محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چ دوم، ۱۳۹۱، بخش چهارم، ص ۲۸۴؛ خطیبی، ابوالفضل؛ «بیتهای عرب‌ستیزانه در شاهنامه»، درباره شاهنامه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵، صص ۱۰۰-۱۰۲.

(۴) ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، تصحیح دکتر خالقی مطلق و همکاران، ۸/۴۲۳/زیرنویس ۱۰.

از کارگزاران احتمالاً تازی تبار طوس یعنی حیّی قتیّب / قتیبه را.^(۱) اگر فردوسی به فرض محال و چنان که در مصراع مجعول و منسوب به او آمده هر عربی را با هر نام و مقام دشمن خویش می دانست اصولاً باید از مدح و تعظیم این بزرگان نیز در شاهنامه تن می زد.^(۲) جز از استناد نسخه شناختی و ضعف کلام، «گزاندیش» هم در مصراع دوم از ترکیبات شاهنامه نیست. نگارنده حدس می زند که این بیت هم از برساخته های متأخر و معاصر باشد.

بیت سیزدهم (دریغ است ایران...). این بیت اصلی و از شاهنامه و مربوط به داستان جنگ هاماوران است که کاووس و یلان ایران در هاماوران گرفتار شده و تورانیان و تازیان به ایران تاخته اند. ایرانیان که درمانده شده اند برای فریادخواهی به زابلستان می روند و بیت مذکور از زبان آنها خطاب به رستم است.^(۳)

به لحاظ فکری - مضمونی (شاخصه سوم در ارزیابی اصالت یا الحاقی بودن ابیات متون) موضوع قطعه سیزدهم بیّتی منسوب به فردوسی، مهر ایران و آزردهگی از تاختن اعراب به آن و نکوهش تازیان است. هر یک از این موضوعات به نوعی در بیت های اصلی متن شاهنامه هست و برای بیان یا ترویج آنها نیازی به توسل به ابیات الحاقی و برساخته نیست. شاهنامه حماسه ملی ایرانیان است و در آن بیت های زیبا و شکوهمندی در ستایش ایران و ضرورت نگه داشتن هویت و حیثیت آن وجود دارد که یک نمونه آن در قطعه مورد بحث (بیت سیزدهم) آمده و نمونه دل انگیز و پرمحتوای دیگر در زیر آورده می شود:

که ایران چو باغی است خرّم بهار شکفته همیشه گل کامگار
پر از نرگس و نار و سیب و بهی چو پالیز گردد ز مردم تهی
سپرغم یکایک ز بن برکنند همه شاخ نار و بهی بشکنند
سپاه و سلیح است دیوار اوی به پرچینش بر نیزه ها خار اوی

(۱) حیّی قتیّب / قتیبه ظاهراً عامل / کارگزار خراج طوس بود که از نظر مالی فردوسی را مراعات می کرده است. او احتمالاً از اعراب مهاجر به خراسان بوده است (ر.ک: تقی زاده، سید حسن؛ «شاهنامه و فردوسی»، هزاره فردوسی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، صص ۹۵ و ۹۶، زیرنویس ۳؛ ریاحی، محمّدامین؛ فردوسی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵، صص ۹۵ و ۹۶). فردوسی در این دو بیت از او نام برده:

همه کارها را سر اندر نشیب مگر دست گیرد حیّی قتیّب

(فردوسی، پیرایش دکتر خالقی مطلق: ۶/۴۸۳/۲)

حیّی قتیبه است از آزادگان که از من نخواهد سخن رایگان

(۸۷۹/۱۱۱۶/۲)

(۲) برای اشاره ای در این باره، ر.ک: محیط طباطبایی، محمّد؛ «عقیده دینی فردوسی»، فردوسی و شاهنامه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، صص ۶۲ و ۶۳.

(۳) ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، پیرایش دکتر خالقی مطلق، ۱/۲۴۲/۱۹۶.

اگر بفرگنی خیره دیوار باغ چه باغ و چه دشت و چه دریاچه راغ
نگر تا تو دیوار او نفرگنی دل و پشت ایرانیان نشکنی
کزان پس بود غارت و تاختن خروش سواران و کین آختن
زن و کودک و بوم ایرانیان بد اندیشه بد منه در میان^(۱)

با این همه چنان که نگارنده در جای دیگر بحث کرده ایران دوستی / ستایی فردوسی هیچ گاه دستاویز نژادپرستی افراطی او و موجب توهین و تحقیر اقوام دیگر نشده و وی در کنار ذکر ستودگی‌های دشمنان ایران و احساسات میهن‌دوستانه آنها، به نقد و طعن شاهان و یلان و شخصیت‌های خطاکار ایران هم پرداخته و از گزارش رفتارهای ناسزاوار ایرانیان پرهیز نکرده است.^(۲)

درباره سیمای اعراب در شاهنامه - که در قطعه مورد گفتگو نقد و نکوهش شده‌اند - باید توجه داشت که آنها در شاهنامه گاهی خویشاوند و یاور ایرانیانند و گاهی دشمن و مهاجم و مسلط بر ایران. در بخش‌های داستانی و تاریخی حماسه ملی ایران تا پادشاهی یزدگرد سوم هیچ سرزنشی درباره اعراب دیده نمی‌شود اما در عصر یزدگرد سوم که آنها به ایران می‌تازند و سلسله ساسانی را فرو می‌پاشند به دلیل نزدیک‌تر بودن این رویداد به زمان زندگی فردوسی و طبعاً نمود برخی پیامدهای آن در محیط و زمانه او، نقدها و نکوهشهایی درباره اعراب و رفتار بعضی از آنها در ایران آمده است که از نظر متن‌شناسی اصلی است و بخشی از آنها می‌تواند برگرفته از منبع / منابع منثور فردوسی باشد و بخشی دیگر شاید دیدگاه شخصی اوست که به هر حال در مقام یک ایرانی حکیم و وطن‌دوست از تعرض بیگانگان به سرزمین نیاکانی خویش دل‌شکسته بوده است.

بیت‌های عرب‌ستیزانه اصلی شاهنامه مبنای نژادگرایانه ندارد و نقد رفتار یا شخصیت تازیان است که یا از زبان اشخاص تاریخی روزگار یزدگرد سوم گفته می‌شود و یا از زبان / جانب اعراب بی‌پاسخ نمی‌ماند.^(۳) همچنین در این بخش بعضی از کاتبان و خوانندگان شاهنامه بیت‌هایی از خود یا دیگران در خوارداشت تازیان افزوده‌اند که الحاقی است و باید از سخن فردوسی تفکیک شود.^(۴) از جمله مهم‌ترین و معروف‌ترین

(۱) همان، ۲/ ۱۰۵۲-۲۷۵-۲۸۳.

(۲) برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آیدنلو، سجّاد؛ دفتر خسروان، تهران، سخن، چ دوم، ۱۳۹۴، صص ۱۲۸-۱۳۰.

(۳) برای بحث بیشتر، ر.ک: همان، صص ۲۵۸-۲۶۱.

(۴) درباره این گونه بیت‌ها، ر.ک: خطیبی، ابوالفضل؛ «بیت‌های عرب‌ستیزانه در شاهنامه»، همان، صص ۹۹-۱۰۷.

آنها چنان که گذشت دو بیت (ز شیر شتر خوردن و سوسمار...) است. بر همین اساس در موضوع اعراب در شاهنامه ضمن توجه دقیق و آگاهانه به این نکات، در صورت نیاز به استناد باید از بیتهای اصلی و سروده خود فردوسی استفاده کرد. از آن جمله:

پوشند از ایشان گروهی سیاه ز دیبا نهند از بر سر کلاه
نه تخت و نه تاج و نه زرینه کفش نه گوهر نه افسر نه بر سر درفش
برنجد یکی دیگری برخورد به داد و به بخشش کسی ننگرد
شب آید یکی چشم رخشان کند نهفته کسی را خروشان کند
ستاینده روزشان دیگر است کمر بر میان و کله بر سر است
ز پیمان بگردند و از راستی گرامی شود کژی و کاستی

(۲/ ۱۰۸۵/ ۹۳-۹۸ و دنباله شعر تا بیت ۱۱۶)

یا:

از این مارخوار اهرمن چهرگان ز دانایی و شرم بی بهرگان
نه گنج و نه نام و نه تخت و نژاد همی داد خواهند گیتی به باد

(۲/ ۶۹۰۱/ ۸۶۳ و ۹۶۳)

از این زاغ ساران بی آب و رنگ نه هوش و نه دانش نه نام و نه ننگ

(۲/ ۶۹۰۱/ ۲۷۳)

۲۳۱

از همان زمان خود فردوسی که احتمالاً استنساخ متن کامل یا داستانهایی از شاهنامه انجام می شده است بعضی از کاتبان و خوانندگان ابیات فردوسی بنابر دلایل گوناگون در این سروده ها دست می برده و با تغییر کلمات و ترکیبات یا افزودن- و شاید کاستن- ابیاتی بر/ از نسخه اصلی، آن را با محیط و مخاطبانشان به گمان خویش هماهنگ می کرده اند. در این میان تصرفات عقیدتی- اندیشگی (ایدئولوژیک) در شاهنامه- و دیگر متون مهم ادب فارسی- برای تأیید و ترویج یا رد و انکار برخی افکار و عقاید، در دست نویسه های بازمانده نمونه هایی دارد. مثلاً کاتب یا خواننده ای که شیعه مذهب بوده در دیباچه شاهنامه و پس از خواندن ابیات نعت پیامبر^(ص) و مدح امام علی^(ع) بیتهای دیگری از خود افزوده تا شیعه بودن فردوسی را بیشتر و پر نمودتر نشان بدهد و در مقابل، کاتب یا خواننده سنی چند بیتی در ستایش خلفای راشدین در این بخش گنجانیده است تا فردوسی را به مذهب خود در آورده باشد.^(۱)

در روزگار معاصر که دیگر کتابت دست نویسه ها از متون پایان یافته است دخالت های

(۱) برای دیدن این بیتهای، ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، تصحیح دکتر خالقی مطلق و همکاران، ۱/ ۱۰/ زیرنویس ۳ و ۱۸؛ ۱/ ۱۱/ زیرنویس ۶ و ۸.

فکری و عقیدتی در آثار ادبی به شیوه‌ای دیگر صورت می‌گیرد و آن ساختن و رواج دادن بیت/ ابیاتی به نام یک شاعر (فردوسی) در فضای مجازی (پایگاهها و وبلاگهای اینترنتی و شبکه‌های تلگرامی و...) یا کوشش و تعمّد در تکرار و تأیید انتساب بیت‌های الحاقی مشهور و قدیمی به نام شعراست. تفاوت اصلی بیشتر امروزیان با گذشتگان این است که در گذشته کاتبان و خوانندگان شاهنامه همه دوستان فردوسی و حماسه ملی ایران بودند و اگر ابیاتی با موضوع دینی، مذهبی یا فکری خاص بر نسخ خود می‌افزودند برای تثبیت و تأیید آن به سبب نقل از زبان فردوسی بوده است ولی امروز ضمن اینکه این قصد و نیت همچنان محفوظ است مرّجان این گونه ابیات را باید به دو گروه موافقان و مخالفان فردوسی هم تقسیم کرد که هر یک می‌کوشند با این کار یا فردوسی را همسو با اندیشه خویش نشان بدهند یا با نسبت دادن عقاید و موضوعات نکوهیده به فرزانه طوس، او را شخصیتی متعصب، کوتاه‌نگر، کژاندیش و... بنمایانند. برای نمونه در سالیان اخیر شماری از «دوستان فردوسی» که به هر دلیل شخصی نمی‌پسندند سراینده حماسه ملی ایران مسلمان و شیعه باشد تلاش می‌کنند بیت‌های اصلی مربوط به باورهای اسلامی و شیعی شاعر را در شاهنامه الحاقی معرفی بکنند و مثلاً با تشکیک در بیت‌های درخشانی نظیر:

بر این زادم و هم بر این بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم

نشانه‌های مسلمانی فردوسی را از شاهنامه کنار بگذارند.^(۱) در آن سوی دیگر بعضی «مخالفان» و «منتقدان» فردوسی - که عموماً دارای افکار افراطی و قوم‌گرایانه هستند و شاهنامه را از آغاز تا پایان درست و کامل نخوانده‌اند - می‌کوشند با تأکید بر بیت‌های قطعاً الحاقی و بسیار ناشایستی چون «زن و ازدها هر دو در خاک به/ جهان پاک از این هر دو ناپاک به»^(۲) و غیره، صاحب شاهنامه را فردی زن‌ستیز و طبعاً نابخرد معرفی بکنند.

ابیات برساخته قطعه سیزده بیتی مورد بحث هم از شواهد دیگر این موضوع و احتمالاً مربوط به دوستان فردوسی است^(۳) ولی این هر دو دسته (موافقان و

(۱) برای بحث درباره این بیت، ر.ک: آیدنلو، سجّاد؛ «اثبات یکی از بدیهیات شاهنامه‌شناسی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۸۲ (پیاپی ۱۹۶)، بهمن ۱۳۹۲، صص ۷-۱۰.

(۲) برای ردّ انتساب این بیت به فردوسی، ر.ک: آیدنلو، سجّاد؛ «این بیت از فردوسی نیست»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۹۷)، آبان ۱۳۸۴، صص ۵۰-۵۵؛ خطیبی، ابوالفضل؛ «بیت‌های زن‌ستیزانه در شاهنامه»، درباره شاهنامه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵، صص ۳۴ و ۳۵.

(۳) قید «احتمالاً» از آن روی است که بعید نیست برخی مخالفان فردوسی این بیت‌ها را ساخته و به نام او پراکنده باشند تا بگویند حکیم طوس برخلاف آنچه محققان می‌گویند متعصب و نژادپرست بوده است.

مخالفان) روشی کاملاً نادرست و غیرعلمی برای هدف خویش برگزیده‌اند زیرا رواج دادن ابیاتی که طبق اصول علمی فنّ تصحیح انتقادی متون از فردوسی و شاهنامه نیست و استناد به آنها برای تبلیغ مقاصد و اندیشه‌های خویش شاید نزد هم‌فکران و محافل محدود آنها و عده‌ای از متعصبان پذیرفته باشد ولی در مباحث علمی و از نظر کارآشنایان در هیچ کجای جهان کمترین وزن و اعتباری نخواهد داشت و شخصیت فردوسی و جایگاه شاهنامه جز آنچه از متن منقح حماسه ملی ایران و اسناد و قراین معتبر برمی آید به گونه‌ای دیگر معرفی نمی‌شود.

هم علاقه‌مندان و خوانندگان شاهنامه و هم کسانی که غالباً ناخوانده از در مخالفت با آن درآمده‌اند باید عنایت داشته باشند که این اثر یک متن ادبی است و در عین اعتقاد به اینکه شاهکاری بی‌مانند و پرداخته نابغه‌ای فرزانه است حتماً از منظر زبانی و ادبی و فکری نکته‌های درخور نقد و بحث‌انگیزی نیز دارد که لازم است در جای خود و با روش درست علمی طرح و بررسی شود. در غیر این صورت هرگونه کوششی برای مقدّس‌نمایی شاهنامه و بت‌سازی از فردوسی یا برعکس، تخریب و خوارداشت آنها فقط مصداقی از افراط و تفریط احساسی خواهد بود و هیچ ارزشی ندارد. متأسفانه چنان‌که گفتیم فضای مجازی (اینترنِت و تلگرام و...) و بعضی شبکه‌های ماهواره‌ای در ارائه چنین چهره‌ای از فردوسی و شاهنامه فعالیت می‌کنند و به دلیل فراوانی مخاطبان آنها و آسانی استفاده از این رسانه‌ها معمولاً تصویری مبالغه‌آمیز و نادرست در یکی از دو وجه مثبت یا منفی از حکیم طوس و اثر او در اذهان بینندگان و خوانندگان متغیّن این رسانه‌ها شکل می‌گیرد.^(۱)

برای کسانی که بخواهند بدانند بیت/ ابیات نسبت داده‌شده به فردوسی در این گونه رسانه‌ها و فضاها از شاهنامه هست یا خیر و از سوی دیگر فرصت یا علاقه مراجعه به منابع تخصصی را ندارند یکی از ساده‌ترین و مطمئن‌ترین روشها استفاده از کتاب بیت‌یاب شاهنامه فردوسی (بر اساس تصحیح هشت جلدی دکتر خالقی مطلق و همکاران) است که به کوشش آقای علی ایمانی و همکاری خانم خدیجه خسروی تدوین و از سوی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (تهران، ۱۳۹۳) چاپ شده است. چون این کشف‌الابیات در بردارنده همه بیت‌های شاهنامه بر پایه منقح‌ترین و انتقادی‌ترین تصحیح این متن است هر بیتی را که در آنجا نباشد با احتمال نزدیک به یقین می‌توانیم بگوییم که از فردوسی نیست. برای آگاهی بیشتر و مقایسه‌ای

(۱) یکی دیگر از آگاهی‌های نادرست و غیرعلمی این رسانه‌ها معرفی و تبلیغ اول بهمن ماه به عنوان زادروز فردوسی است که هیچ سند و قرینه‌ای در شاهنامه یا منابع دیگر ندارد و فاقد هر گونه اصالت و اعتبار علمی است.

نیز می‌توان از کتاب بیت‌نمای شاهنامه فردوسی (تدوین سید علی محمد رضایی جواهری، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۶، ۲ج) بهره گرفت که ابیات متن و زیرنویسهای سه چاپ ژول مول، مسکو و دکتر خالقی مطلق را یک جا آورده است و با مراجعه بدان دانسته می‌شود که هر بیت در کدام یک از این سه تصحیح هست یا نیست. چون این کشف‌الابیات برخلاف بیت‌یابهای دیگر، ابیات الحاقی چاپ مسکو و دکتر خالقی مطلق را هم فهرست کرده و نشانی آنها را در زیرنویسهای این دو تصحیح داده، بسیار مفید است.

نتیجه بحث اینکه در قطعه سیزده بیتی منسوب به فردوسی فقط دو بیت (ابیات ۹ و ۱۳) از شاهنامه (آن هم دو جای مختلف این متن) است، دو بیت (ابیات ۱۰ و ۱۱) از ملحقات مشهور به شاهنامه است و یک بیت (بیت ۱) نیز با استفاده از یکی از ابیات افزوده، ساخته شده است. هشت بیت باقی‌مانده هم از سروده‌های دیگران است که به احتمال فراوان بیشتر آنها در همین دوران ما ساخته و به نام فردوسی جعل شده است و نباید به آنها اعتماد و اعتنا کرد.

